



کتابسازی مردم را به بازار نشر بی اعتماد کرده است



اصغر قائدان*

دانشگاهی است. مدرک‌گرایی سبب شده است کتابسازی بیشتر شود. در برخی موارد استادان دانشگاه کتاب‌های دانشجویان را به نام خود چاپ می‌کنند. به نظر شما با این آسیب‌ها باید چه کرد؟

وقتی دانشگاه‌ها یکی از ملاک‌های اعضای هیئت علمی را نوشتن مقاله قرار می‌دهند باید اهرم‌های کنترلی هم داشته باشد. این که صرفاً فردی مقاله ISI داشته باشد می‌تواند ترفیع بگیرد به ملاکی برای ارتقای علمی تبدیل شده است و بعضی ناچار هستند به کارهای ناصواب تن دهند و از این طریق مشکل خود را حل کنند. باید در کنار این کار ابزار کنترلی باشد یعنی باید ناقدان و ارزیابان علمی حضور داشته باشند که ببینند این مقاله از جایی گرفته شده است یا نه و این‌ها را تطبیق دهند که چند درصد مال خود فرد است و چند درصد مال دانشجو است و اگر روشن شود کسی کتابسازی کرده است فرد را از جایگاه علمی‌اش محروم کنند. باید مجازات‌هایی برای این جرم وضع شود و چندین سال از ارتقای آنان جلوگیری شود و شاید با این کار مجرمان به خود بیایند و دیگران هم عبرت بگیرند. اما دانشگاه اگر اهرم نظارتی نداشته باشد به این کار دامن می‌زند. همان‌گونه که مستحضر هستیید بحث پایان‌نامه‌سازی‌ها نیز زیاد شده و در کنار کتابسازی و مقاله‌سازی به یک معضل لاینحل تبدیل شده است. این معضل را از چه ابعادی می‌توان بررسی کرد؟

اگر در اینترنت کلمه «پایان‌نامه» را جست‌وجو کنید، می‌بینید «پایان‌نامه نویسی» تبدیل به شغلی برای کسانی شده است که با پیام «عنوان از شما، کار از ما» به شخص پایان‌نامه تحویل می‌دهند یا تبلیغ می‌کنند: «مقاله ISI ظرف ده روز قبولی یا

در سال‌های اخیر موضوعی به نام کتابسازی بازار نشر را به شدت تهدید می‌کند. گسترش این معضل را در بازار نشر به چه دلایلی می‌دانید؟

در جامعه ما، در گذشته نیز این روند بوده است اما هم‌اکنون با وجود کپی‌برداری و اینترنت نسبت به گذشته این معضل گسترده‌تر شده است. در گذشته دور بسیاری برعکس عمل می‌کردند و زمانی که می‌خواستند کارشان معروف شود به اسم افراد دیگر منتشر می‌کردند. فردی که چندان معروف نبود، اگر کار ارزشمندی داشت برای این که کارش در جهان معروف شود ناچار بود آن را به اسم یک نویسنده معروف منتشر کند. ولی در دوره کنونی برعکس شده است و کار کسانی که مشهور هستند و زحمت علمی می‌کشند توسط کسانی که ناپخته هستند و تجربه‌ای ندارند یا جایگاه علمی خاص ندارند استفاده می‌شود. کتابسازی مطالعات تاریخ علم بسیار پیش آمده است؛ بسیاری از دسترنج دیگران بهره می‌برند و بدون این که زحمتی بکشند کار آماده دیگران را به نام خود ثبت می‌کنند. متأسفانه امروز این پدیده بسیار شایع شده است. به عقیده شما مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از این کتابسازی‌ها چیست؟

کتابسازی نه اعتبار علمی می‌آورد نه جایگاه اجتماعی؛ و بر همین اساس آبروی کسی که دنبال کتابسازی است روزی از بین می‌رود و عمل او برای جامعه مشخص خواهد شد. باید مراکزی برای شناسایی این افراد باشند و این کارها را در وزارت ارشاد ممیزی کنند و به عبارتی به نام هر فردی معرفی نکنند و از هر جهت کنترل و ارزیابی شود.

یکی از موضوعاتی که به کتابسازی دامن زده است نظام

* رئیس پژوهشکده تاریخ علم



اکسپکت گرفته می‌شود.» و این نشان می‌دهد این‌ها تقلبی در کارشان است. باید اتحادیه‌ای شکل بگیرد که جلوی این کارها را بگیرد چون این موضوع ضربه سنگینی به علم کشور زده است. در گذشته ناشران نگاه فرهنگی داشتند در حالی که این نگاه‌ها هم به نگاه تجاری تبدیل شده است و برخی ناشران کتابی را کپی کرده، به فروش می‌رسانند. دور شدن نگاه فرهنگی از بازار نشر تا چه اندازه به کتابسازی منجر شده است؟

متأسفانه مردم نسبت به بازار نشر بی‌اعتماد شده‌اند زیرا به علت رواج کتابسازی خیلی‌ها مطمئن نیستند کتابی که می‌گیرند قابل توجه و معتبر باشد و احساس می‌کنند پول خود را دور ریخته‌اند. برای همین سعی می‌کنند در خرید کتاب احتیاط کنند. به همین دلیل خریداران کتاب کم می‌شوند و کم شدن خریداران کتاب ناشران را دچار آسیب می‌کند و آن‌ها سود مورد انتظار خود را به دست نمی‌آورند به همین دلیل ناشران به دنبال کار تزیینی می‌روند و به سراغ کتاب‌هایی می‌روند که بیشتر برای عموم قابل استفاده است و متأسفانه از چاپ و نشر کتاب‌های علمی روگردان شوند. این‌گونه کتاب‌ها به جامعه ما ضربه مهلکی می‌زنند و جامعه علمی کشور را آسیب‌پذیر می‌کنند. به هر جهت یا باید ناشران را تشویق کرد و یا با اهرم نظارتی کار ناشران را کنترل کرد؛ برای مثال وقتی ناشر نمونه انتخاب می‌شود یکی از ملاک‌ها این باشد که این ناشر کتابسازی نکرده باشد. یا وقتی که ناشری کتابسازی می‌کند پروانه‌اش را لغو کنند. من کتابی را دیدم که ترجمه شده بود و دو ناشر به اسم دو مترجم چاپ کرده بودند اما در این کتاب حتی نوع چاپ هم متفاوت نیست و یک چاپخانه هر دو را چاپ کرده است ولی به اسم دو مترجم و حتی حروفچینی و چاپ آن تغییر نکرده است.

برخی نیز ترجمه‌ها را به اسم تألیف منتشر می‌کنند و حیف کاغذی که صرف چاپ این کتاب‌ها می‌شود و ناشری که این کتاب‌ها را چاپ می‌کند نیز سرانجام باید به خمیر تبدیلشان کند. موضوعی که اخیراً مطرح شده است بحث منشور اخلاقی نویسندگان است. به نظر شما این منشورها و قوانین می‌تواند در بحث کتابسازی مؤثر باشد؟

قطعاً بی‌تأثیر نیست. به هر جهت در تمام صنف‌ها یک اخلاق حرفه‌ای داریم و طبیعتاً در حیطه اخلاق حرفه‌ای منشوراتی هست که باید از جانب هر صنفی رعایت شود. در هر حرفه‌ای

فرد متخلف باید تنبیه و مجازات شود. چه این فرد اهل قلم باشد چه از صنف دیگری. اهل قلم در صورتی کرامت دارد که جایگاه خود را بشناسد. وقتی کسی اسم خود را اهل قلم می‌گذارد ولی به عبارتی سارق ادبی است، این شخص به هیچ عنوان کرامتی ندارد. قوانینی باشد که جلوی تخلفات اهل قلم را بگیرد و فکر می‌کنم خیلی تأثیر دارد این قوانین عملیاتی شود و نه این که صرفاً روی کاغذ بیاید.

اعمال قانون حقوق معنوی مؤلفان و کپی‌رایت را در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بودن کپی‌رایت برای کشور ما خیلی بهتر از نبودن آن است. اعمال این قانون خیلی مؤثر است و جلوی کتابسازی‌ها را می‌گیرد. نشر ما در خاور میانه نسبت به کشورهای دیگر و به لحاظ کمی آمار بالایی دارد اما در مقایسه با کشورهای اروپایی الحاق به کپی‌رایت کمی کار را برای ما سخت می‌کند. ممکن است اعمال کپی‌رایت مشکل باشد ولی حداقل حقوق نویسندگان این‌گونه محفوظ می‌ماند و اگر در جایی سرقتی صورت بگیرد فرد می‌تواند مراجعه کند و حق و حقوق خود را بگیرد.

در این باره نقد علمی و آگاهانه تا چه اندازه می‌تواند کارساز باشد؟

نقد می‌تواند موقعیتی فراهم کند که جلوی این کارها را بگیرد و به شرط آن که نقد علمی باشد و به دلیل اختلافات داخلی افراد نباشد یعنی به گونه‌ای نباشد که کاری را بدون جهت زیر سؤال ببرند. اگر هم پژوهشکده‌هایی جلسات نقد را برگزار می‌کنند این جلسات عمومی‌تر شود و در سطح دانشگاه‌ها شکل بگیرد من فکر می‌کنم خیلی مؤثر باشد.

به عنوان پرسش پایانی با توجه به حیطه رشته تخصصی شما که تاریخ علم است کتابسازی را در آن حوزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در تاریخ علم چون ادبیات وسیعی نداشته‌ایم و کارهای تحقیقاتی کم بوده است می‌توان گفت سرقت‌های ادبی و کتابسازی در کشور ما خیلی کم است. معمولاً کارهایی که شده از زبان‌های مختلف ترجمه شده است و ما تولید بومی نداشته‌ایم. ولی از سوی دیگر آفتی که هست آن است که نویسندگان ما از کارهایی به زبان‌های اروپایی است — بدون این که ارجاع دهند — خیلی در تألیفات خود استفاده می‌کنند اما در این حوزه کتابسازی کمتر از رشته‌هایی است که تولید انبوه دارند. ■

